مجله پژوهش‌نامه مبـــانی تعلیـــم و تربیـــت
سال ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ۴۵-۲۳.

Journal of Foundations of Education
Vol. 6, No 1, Spring & Summer 2016, 23-45
DOI: 10.22067/fe.v6i1.36765

مبانی و اصول اخلاق اسلامی: ارتباط معلم با دانش‌آموزان

Foundations and Principles of Islamic Ethics: A Reflection on the Relationship between Teacher and Students

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۸

مسعود صفایی‌مقدم[۱]، بهاالدین رحمانی[۲]، محمدجعفر پاک‌-سرشت[۳]، سیدمنصور مرعشی[۴]

Masoud Safaei Moghaddam, Bahauddin Rahmani, Mohammad Jafar Pakseresht, Sayed Mansour Marashi

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی مبانی و اصول اخلاق اسلامی در ارتباط معلم با دانش‌آموزان می‌باشد. برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش تحلیلی- استنتاجی بهره گرفته شد. بر پایه نتایج به دست آمده، نخست هشت اصل اخلاقی مربوط به ارتباط معلم با دانش‌آموزان از متون دینی و تربیتی اسلام استنتاج شدند. این اصول عبارتند از: صداقت و درستکاری، تواضع و فروتنی، آسیب نرساندن، عفّت‌پیشگی و پاک‌دامنی، تکریم دانش‌آموزان، عدالت و انصاف، وفاداری به تعهدات حرفه‌ای و احسان و نیکوکاری. سپس قواعد اخلاقی مربوط به هر یک از این اصول از متون معتبر اسلامی و آثار اخلاقی و تربیتی سایر اندیشمندان استنتاج شدند.

واژه های کلیدی: *مبانی و اصول اخلاق اسلامی، اصول اخلاق معلمی، قواعد اخلاق معلمی، ارتباط معلم با دانش آموزان*

Abstract

The main purpose of this research is investigation of foundations and principles of Islamic ethics concerning the relationship of teacher with students. To achieve this goal, the analytical - inferential method was used. Based on the results, at first eight ethical principles related to the relationship of teacher with students were deducted from Religious and educational texts of Islam. These principles containing: truthfulness and honesty, humility, non-maleficence, chastity, honoring the students, justice and fairness, fidelity to professional commitments, and beneficence. Then, the ethical rules related to these principles were deducted from authentic Islamic texts and ethical and educational works of different thinkers.

Keywords: Foundations and principles of Islamic ethics, ethical principles of teaching, ethical rules of teaching, Relationship between Teacher and Students.

۱. استاد دانشگاه شهید چمران اهواز، safaei_m@scu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، bahaeddin.rahmani@gmail.com
۳. استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز.
۴. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

مقدمه

اخلاق حرفه‌ای بر مبانی اخلاق استوار می‌باشد و تعیین‌کننده رفتارهایی است که در قالب اصول و قواعد اخلاقی بیان می‌شوند. اصول و قواعد اخلاقی مانند چراغی مسیر و محدوده کار و وظایف صاحبان حرفه را روشن می‌کنند و راهنمای آن‌ها در پیمودن این مسیر می‌باشند. صاحبان حرفه همواره در یک محیط انسانی کار می‌کنند و با انسان‌های آن محیط روابط متقابل دارند. لذا، لازم است برای حفظ این روابط بکوشند و راهکارهای مناسب را در پیش بگیرند. تعامل صحیح و مناسب صاحبان حرفه با انسان‌هایی که با آن‌ها سروکار دارند، نیازمند پیروی از آن دسته اصول اخلاقی است که رابطه متقابل آن‌ها را بدون هیچ قید و شرطی و به صورت صحیح تنظیم و هدایت می‌کند(Rahmani, 2013)

معلمی یکی از حرفه‌های مهم و مورد نیاز جامعه است و وظیفه اصلی معلم تربیت دانش‌آموزان می‌باشد که رشد آن‌ها را در همه جنبه‌ها و ابعاد در برمی‌گیرد. بخشی از حرفه معلمی جنبه اخلاقی دارد و تحقق مسئولیت‌های تربیتی معلم نیازمند پایبندی او به اصول و قواعد اخلاق حرفه‌ی معلمی است. به زعم دونالد باتلر[1] اهمیت اخلاق معلمی در هدف آن یعنی «به کمال رساندن انسان‌ها نهفته است.» (Gutek, 2004, p. 45). وظایف اخلاقی معلم در قبال دانش‌آموزان را می‌توان در قالب اصول اخلاقی بیان کرد که رفتار را به صورت نسبتاً کلی بیان می‌کنند. لذا، لازم است رفتارها به صورت مشخص‌تر و جزئی‌تر بیان شوند تا وظایف معلم به صورت دقیق نشان داده شوند.

بر این اساس، تعیین قواعد اخلاقی برای حرفه معلمی ضروری است؛ زیرا اگر چنین قواعدی برای سنجش کار و رفتار معلم در اختیار باشند، رفتارهای او به آسانی و به صورت شفاف هم از جانب خودش و از سوی دیگران مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. به علاوه، با مشخص‌کردن اصول و قواعد اخلاق معلمی می‌توان چهارچوب و مبنایی را برای بررسی و نقد اصول و قواعد اخلاقی مطرح شده برای حرفه معلمی در مصوبات آموزش و پرورش کشورمان فراهم کرد.

قواعد اخلاق معلمی در آموزش و پرورش کشور به صورت وظایف یا صلاحیت‌های معلمان مطرح شده است که- طبق بررسی‌های انجام گرفته- کامل و منسجم نمی‌باشند (Rahmani, 2013, pp. 188-213). بنابراین، با توجه به پیشینه دینی و فرهنگی غنی کشور، تعیین مبانی و اصول اخلاق اسلامی و معیارهای مربوط به آن به ویژه در ارتباط معلم با دانش‌آموز ضروری به نظر می‌رسد.

---

[1] . Butler, D.

روش

در این پژوهش، از روش تحلیلی- استنتاجی بهره گرفته شد. بنابراین، در سیر منطقی کلی به جزئی استنتاج اصول اخلاق معلمی، نخست متون اسلامی و آثار اندیشمندان در زمینه اخلاق اسلامی و اخلاق حرفه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و مبانی اخلاق اسلامی در خصوص روابط انسان‌ها با یکدیگر مشخص شدند. سپس، ارزش‌ها، فضائل و صفات اخلاقی مربوط به وظایف و مسئولیت‌های صاحبان حرفه در برابر سایر انسان‌ها استخراج شدند. سرانجام، آن دسته از ارزش‌ها، فضائل و صفات اخلاقی که از ویژگی-های موردنظر برخوردار بودند، به عنوان اصول اخلاق معلمی در ارتباط معلم با دانش‌آموزان انتخاب شدند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱) بر اساس مبنای هستی‌شناختی اخلاق اسلامی (وابسته و نیازمند بودن انسان به خدا یا همان فقر وجودی) قابل توجیه باشند؛ در قرآن و سایر متون معتبر اسلامی به عنوان ارزش‌ها، فضائل و صفات اخلاقی معرفی شده‌اند و برای تنظیم روابط انسانی به ویژه در محیط‌های آموزشی بر آن‌ها تأکید زیادی شده است؛

۲) بر اساس مبانی انسان‌شناختی اخلاق اسلامی (وابسته و نیازمند بودن انسان‌ها به یکدیگر، کرامت انسانی و اختیار و آزادی انسان) قابل توجیه باشند. این مبانی نوع رفتار انسان‌ها به ویژه صاحبان حرفه را نسبت به سایر انسان‌ها تبیین و توجیه می‌کنند؛

۳) بر اساس مبانی معرفت‌شناختی اخلاق (فطری، عقلانی و وحیانی بودن اخلاق) و به ویژه بر اساس قانون طلایی قابل توجیه باشند؛

۴) بیانگر ابعاد مختلف رفتار اخلاقی معلم در برابر دانش‌آموزان در عرصه آموزش، ارزشیابی و تعاملات روزمره در محیط آموزشی (قبل از تدریس، ضمن تدریس و بعد از تدریس) باشند؛

۵) از سوی اندیشمندان و فیلسوفان مسلمان به عنوان ارزش یا اصول اخلاقی مطرح شده باشند که در پیشینه به آنها اشاره شده است؛

۶) غیرتکراری و جامع باشند و همه ارزش‌ها، فضائل و صفات اخلاقی مطرح‌شده در رابطه معلم با دانش‌آموزان را پوشش دهند؛ اصول مشابه و قابل تلفیق با یکدیگر حذف شدند و سرانجام اصولی انتخاب شدند که غیرتکراری و کاملاً ضروری بودند و ادغام آن‌ها در یکدیگر و نیز حذف آن‌ها ممکن نبود.

پیشینه پژوهش

در منابع و متون اسلامی سنتی، اخلاق حرفه‌ای و به‌ویژه اخلاق معلمی و اصول و قواعد اخلاقی آن به صورت منسجم، صریح و به معنای امروزی کمتر مطرح شده و مسائل اخلاقی مربوط به رابطه معلم و شاگرد بیشتر با عنوان آداب و وظایف بررسی شده‌اند. هرچند در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های مشابه و البته محدودی در این زمینه در داخل کشور صورت گرفته است. به طورکلی، بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعات می‌توان به اصول حاکم بر ارزش‌های اجتماعی (عدل و قسط، احسان و تقدم مصالح معنوی بر منافع مادی) (Shirvani, 2011)، عوامل بهبود اخلاق اجتماعی (عدالت، تواضع و تأدُّب به آداب اجتماعی) (Alizadeh, Alemzadehnoori, Mazaherisaif, Ahmadpoor, & Medavifarid, 2010)، فضیلت‌های اخلاقی اجتماعی (احسان، عدل و انصاف، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح میان مردم، عفت، سخنان نیکو گفتن، عفو و گذشت، همیاری در کارهای نیک و ناهمیاری در کارهای ناپسند و اهتمام به امور مسلمانان و رسیدگی به آن‌ها) (Davoodi, 2011)، آداب و وظایف معلم نسبت به شاگردان (ضبط نفس و خویشتن‌داری، محبت و نرمش، حزم و احتیاط، عدم تکلف و صحنه‌سازی، احترام به آداب دینی و ملی و فروتنی) (Hojjati, 1978) اشاره کرد. همچنین می‌توان به مبانی اخلاق اسلامی نظیر فطری بودن اخلاق، مبتنی بودن اخلاق بر نیازهای درونی، عقلانی بودن اخلاق، ملازمت اخلاق با آزادی، محوری بودن جایگاه عدالت در اخلاق و عاملیت انسان در اخلاق، و اصولی مثل ضرورت ایجاد درک سلسله مراتبی ارزش‌ها، شکوفا ساختن فطرت، توجه به سطوح مختلف اخلاقی شدن، فراهم آوردن زمینه خردورزی در عمل، لزوم تکریم شاگردان و رعایت عدالت در مورد دانش‌آموزان به عنوان اصول اخلاق تدریس در ارتباط معلم با شاگرد (Bagheri Naoparast, 2007) اشاره نمود.

مسئولیت‌های اخلاقی انسان‌ها در برابر یکدیگر

انسان موجودی بالذات اجتماعی است و زندگی فردی برای او میسر نیست. بنابراین، هر انسانی برای زنده ماندن و تحقق زندگی که شایسته انسانیت او باشد به کمک سایر انسان‌ها نیاز دارد و خود او هم می‌تواند برای تحقق زندگی اجتماعی به سایر هم‌نوعانش کمک کند. چنین کمک‌های متقابلی برای انسان‌ها مسئولیت‌های اخلاقی به بار می‌آورد. مسئولیت‌های اخلاقی صاحبان حرفه در برابر انسان‌ها بر مبانی هستی‌شناختی (وابسته و نیازمند بودن انسان به خدا)، مبانی انسان‌شناختی (وابسته و نیازمند بودن انسان به انسان، کرامت انسانی و اختیار و آزادی انسان) و مبانی معرفت‌شناختی (عقلانی بودن، فطری بودن و وحیانی

بودن اخلاق) استوار می‌باشند (Rahmani, 2013, pp. 103-105). چگونگی رابطه بین این مبانی و مسئولیت-های اخلاقی صاحبان حرفه در برابر انسان‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱) **وابسته و نیازمند بودن انسان به خدا:** انسان مخلوق خداست و همه چیزهایی که دارد و حتی وجود خودش از سوی خدا به او عطا شده است. به علاوه، تمامی هستی و نعمت‌های موجود در آن که غیرقابل شمارش‌اند و زندگی انسان وابسته به آن‌هاست، همه آفریده خدا می‌باشند. به این خاطر انسان در مقابل پروردگارش موجود نیازمندی است. آیات زیادی در قرآن وجود دارند که بیانگر این واقعیت می‌باشند (The Noble Qur'an, 1992, pp. 16/14; 32/27; 36/23,72,73; 2/22; 14/32; 40/79). انسان از لحاظ خلقت، زنده ماندن و زندگی آخرت وابسته و نیازمند به خداست. نیازمندی انسان از لحاظ خلقت به خدا از آن جهت است که خداوند خالق و آفریدگار اوست و او را از عدم به وجود آورده است و خود انسان در آفرینش خویش هیچ نقشی نداشته است. نیازمندی انسان از لحاظ زنده ماندن و زندگی کردن به خدا به این دلیل است که تمامی خلقت آفریده پروردگار و جزء نعمت‌های اوست. همچنین، نیازمندی انسان به خدا از لحاظ زندگی پس از مرگ به این جهت است که زندگی انسان نه تنها با مرگ پایان نمی‌پذیرد، بلکه در جهان دیگر ادامه پیدا می‌کند و انسان‌ها در دادگاه الهی حضور می‌یابند و با توجه به اعمالی که در این دنیا انجام داده‌اند، حساب پس می‌دهند. بنابراین، انسان همیشه به خدا وابسته و نیازمند او است. بر این اساس، کلام قرآن باید برای یک مسلمان حُجّت باشد و با کمال میل از آن تبعیت کند؛ زیرا رضایت خدا از بندگانش زمانی حاصل می‌شود که بندگان خدا از او راضی باشند. از دیدگاه اسلام، خدا حاکم و خالق مطلق انسان است و انسان نیز بنده اوست و برای رسیدن به خوشبختی باید مطیع همه دستورات و اوامر الهی باشد که در کلام وحی بیان شده است. بر این اساس، هر ارزش، فضیلت یا صفت اخلاقی که در قرآن به آن اشاره شده و برای تنظیم روابط انسانی ضروری معرفی شده باشد، به عنوان مبنای اخلاق اسلامی پذیرفته می‌شود و می‌توان اصول اخلاقی اسلام را بر اساس آن تبیین و توجیه کرد.

۲) **وابسته و نیازمند بودن انسان‌ها به یکدیگر:** هر انسانی بنا به ماهیت وجودی‌اش دارای نیازها و محدودیت‌هایی است که محرک تلاش و کوشش‌های اوست. برآورده کردن همه نیازهای انسان به زمان، توانایی‌ها و مهارت‌های فراوانی نیاز دارد. از آنجاکه عمر انسان محدود است، نمی‌تواند برای رفع نیازهایش توانایی‌ها و مهارت‌های گوناگونی کسب و به تنهایی همه نیازهایش را برآورده کند.

پس هر انسانی ناچار است برای رفع نیازهایش از سایر انسان‌ها کمک بگیرد و خود او نیز به عنوان عضوی از جامعه انسانی، بخشی از نیازهای دیگر انسان‌ها را برآورده کند. به این ترتیب، انسان‌ها فقط به کمک یکدیگر می‌توانند نیازهایشان را برآورده کنند. تحقق چنین امری نیازمند آن است که انسان‌ها نسبت به یکدیگر مسئولیت‌های اخلاقی داشته باشند تا بتوانند براساس آن‌ها به صورت متقابل نیازها و حقوق یکدیگر را برآورده کنند. در واقع، مبنای «وابسته و نیازمند بودن انسان‌ها به یکدیگر» به هویت جمعی انسان اشاره دارد. لذا، می‌توان نیازمند بودن انسان‌ها به یکدیگر را به عنوان یکی از مبانی اساسی تبیین و توجیه اصول اخلاقی درنظرگرفت.

۳) **کرامت انسانی:** دلیل دیگر برای مسئول بودن انسان‌ها در قبال یکدیگر کرامت انسانی آن‌هاست. هر انسانی به واسطه انسان بودنش دارای چنین کرامتی است که خداوند به هنگام خلقت به او بخشیده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 17/70). بنابراین، هر انسانی و به‌ویژه صاحبان حرفه موظفند که کرامت انسانی هم‌نوع یا مخاطبان خودشان را حفظ کنند. البته، آن‌ها نیز حق دارند انتظار داشته باشند که کرامت انسانی‌شان از جانب هم‌نوعان‌شان محفوظ بماند. کرامت انسانی شامل کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی است که حفظ و نگهداری هر دو نوع آن از سوی انسان‌ها ضروری و لازم است. در ضمن، ویژگی‌های عارضی انسان مانند نژاد، رنگ پوست، فرهنگ، زبان، جنسیت، ثروت، شهرت نه باعث ایجاد کرامت می‌شوند و نه آن را از بین می‌برند. بنابراین، هر ارزش، فضیلت و صفت اخلاقی که در راستای حفظ کرامت انسانی باشد، به عنوان یک مبنای اخلاق قابل قبول می‌باشد و می‌توان برای تنظیم روابط اخلاقی معلم با دانش‌آموزان از آن استفاده کرد.

۴) **اختیار و آزادی انسان:** اختیار و آزادی یکی از ویژگی‌های بارز انسان و به معنای عامل بودن انسان در انجام عمل است؛ یعنی انسان بدون اجبار بیرونی و از روی اراده و اختیار خود کاری را انجام دهد یا انجام ندهد. بر این اساس، تکلیف، ثواب و عقاب و مسئولیت انسان به اختیار و آزادی و نیز آگاهی و گرایش او بستگی دارد؛ زیرا عنصر شناخت و آگاهی در انسان فقط راه را نشان می‌دهد و تا وقتی عنصر میل و اراده در انسان ایجاد نشود، فعل اختیاری از انسان مشاهده نمی‌شود (Khavas, Hoseini ghal'aBahman, Dabiri, Sharifi, & Pakpoor, 2009). بنابراین، صرف داشتن شناخت در مورد یک رفتار یا عمل منجر به انجام آن نمی‌شود؛ زیرا «افعال و ملکات انسان که فضیلت و انسانیت او به آنها وابسته است، پیرو اراده انسان می‌باشند.» (Beheshti & Faqihi, 2001). مسئولیت انسان‌ها در برابر یکدیگر زمانی وجهه اخلاقی به خودش می‌گیرد که از روی اراده و اختیار خود فرد باشد نه

اینکه به خاطر عوامل دیگری مانند ترس، طمع، چشمداشت و ... انجام شود. بنابراین، می‌توان گفت که یکی از مبانی اخلاق، آزادی و اختیار انسان است که با استفاده از آن می‌توان اصول اخلاقی معلم در برابر دانش‌آموزان را تبیین و توجیه کرد.

۵) **فطری بودن اخلاق:** غریزه، خلقت خاص حیوان و فطرت، خلقت خاص انسان است که خداوند انسان را بر آن سرشته است (The Noble Qur'an, 1992, p. 30/30). باور داشتن به این واقعیت که انسان‌ها دارای فطرت هستند و این فطرت در میان همه انسان‌ها مشترک، ثابت و پایدار است، می‌تواند هم دلیلی بر مطلق بودن ارزش‌ها باشد و هم به این امر اشاره داشته باشد که این فطرت را می‌توان بیدار کرد و این خود کمک بزرگی به آموزش اخلاق می‌کند. خداوند از روز ازل، خود را ربّ انسان و انسان را از آن خود دانست و این را به او یادآوری کرد. (The Noble Qur'an, 1992, p. 7/172) بنابراین، انسان از همان روز ازل با خالقش آشنایی دارد و اگر نتواند این آشنایی را حفظ کند با او بیگانه می‌شود. پیوند فطرت انسانی با منبع هدایت کننده‌اش، منشأ نزدیکی و الفت او به کارهای خیر و نیک و دوری گزیدنش از کارهای بد و شرّ می‌شود. البته، انسان در انتخاب این دو مسیر دستش باز است و هرکدام را که بخواهد می‌تواند انتخاب کند (The Noble Qur'an, 1992, pp. 91/8-10). اما این دو مسیر به مقصدهای متفاوتی منتهی می‌شوند؛ انتخاب مسیر پرهیزکاری، انسان را به سوی رستگاری و گزینش مسیر پلیدکاری او را به ورطه‌ی هلاکت می‌کشاند. همچنین، برخورداری انسان از فطرت الهی مانع نسبیّت‌گرایی در اخلاق می‌شود؛ زیرا، برخورداری همه انسان-ها از فطرت یکسان بیانگر آن است که آن‌ها دارای ویژگی‌های ثابت، جاودان و مشترکی هستند که به تبع آن از ارزش‌های یکسانی پیروی خواهند کرد. مبنای فطری بودن اخلاق به این معنی است که انسان‌ها برخی از اصول و ارزش‌های اخلاقی را به صورت فطری درک می‌کنند، بدون این‌که نیازی به یادگیری آن‌ها از طریق اجتماع داشته باشند. البته، به گفته عالمان و صاحب‌نظران اخلاق، درک برخی از امور اخلاقی به صورت فطری واضح است، اما درک برخی دیگر بسیار واضح نیست. بر این اساس، می‌توان فطری بودن را به عنوان یکی دیگر از مبانی اخلاق اسلامی عنوان کرد و اصول اخلاقی را بر اساس آن تبیین و توجیه نمود.

۶) **وحیانی بودن اخلاق:** یکی دیگر از منابع شناسایی امور اخلاقی، وحی (کلام الهی) است که در قالب قرآن بر آخرین پیامبر، محمد مصطفی (ص) نازل شده است. از دیدگاه اسلام، قرآن کامل‌ترین برنامه اخلاقی انسان است که در آن، مسیر زندگی انسان به صورت کلی ترسیم گردیده و به صورت

ضمنی و آشکار به مبانی اخلاق و اصول آن اشاره شده است. کلام خدا مملو از آموزه‌های اخلاقی در ارتباط انسان با دیگر انسان‌هاست و برخی از مسائل اخلاقی به صورت کلی در آن مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین، لازم است مبانی اخلاق و اصول کلی آن از قرآن گرفته شوند و مورد تحلیل قرار گیرند. به طور نمونه، در ارتباط با اخلاق حرفه‌ای می‌توان مبانی اخلاق و اصول اخلاقی را از کلام وحی استنتاج و استخراج کرد و سپس قواعد اخلاقی را از آثار فیلسوفان و مربیان تربیتی که حاصل تلاش فکری سال‌های زیادی از عمر آن‌هاست، اخذ نمود. بر اساس آموزه‌های دین اسلام، وحی در مقابل عقل سلیم قرار نمی‌گیرد، بلکه عقل و وحی در راستای هم قرار می‌گیرند. مبنای وحیانی بودن اخلاق مبتنی بر قرآن و سنّت و تفاسیر مربوط به قرآن است. لذا، برای یافتن اصول و قواعد اخلاق حرفه‌ای مراجعه به قرآن و سنّت لازم و ضروری است؛ زیرا قرآن کلام خدا و چراغ راهنمای بشر و مملو از پیام‌های اخلاقی است که می‌توان آن‌ها را به صورت مستقیم از قرآن استخراج نمود یا به صورت غیرمستقیم از منابع مربوط به تفسیر کلام وحی استنباط و آن‌ها را دسته‌بندی و سازماندهی کرد. بر این اساس، می‌توان وحیانی بودن اخلاق را به عنوان یکی دیگر از مبانی اخلاق اسلامی معرفی و اصول اخلاقی معلم در برابر دانش‌آموزان را بر اساس آن تبیین و توجیه کرد.

۷) **عقلانی بودن اخلاق:** یکی از ویژگی‌های مختص انسان که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند و منبعی برای تشخیص افعال اخلاقی به شمار می‌آید، عقل یا قدرت اندیشه‌ورزی است. انسان با توانایی برگرفته از عقل و اندیشه‌اش می‌تواند به کُنه و عمق مسائل اخلاقی پی‌ببرد؛ زیرا انسان در هر لحظه و به طور مداوم درگیر تفکر در مورد مسائل زندگی‌اش و چگونگی حل و فصل آن‌هاست. هرچند همه تفکرات آدمی مناسب و مفید نیستند. بر اساس نص قرآن، عقل تنها در صورتی که در پرتو گرایش‌های فطری مورد استفاده قرار گیرد، مفید خواهد بود. (The Noble Qur'an, 1992, p. 2/75) در واقع، «عقل به عنوان یک حجت درونی و باطنی، کانونی برای پرورش مستدل فطریات انسان است؛ عقل انسان زمینه‌ای مناسب برای گرایش‌های مختلف است و اگر بر این روند، فطرت انسان حاکم باشد، عقل فطری و الهی حاصل می‌شود. همان عقلی که در آیات و روایات از آن تمجید شده است.» (Beheshti M. , Faqihi, Aboja'fari, & A'rafi, 2009, p. 74). عقل به عنوان ملاکی برای تشخیص افعال اخلاقی و به‌ویژه در مواقع تعارض به‌کار می‌رود. انسان به کمک عقل می‌تواند بین تعارض‌های اخلاقی که برایش پیش می‌آید، تمایز قائل شود و تمایلی را که بهتر است، برگزیند. عقل به عنوان بارقه‌ای از روح انسان می‌باشد. بنابراین، انسان در گزینش بین دو تمایل،

تمایلی را برمی‌گزیند که مهم‌تر است. در این خصوص اشاره به دو نکته لازم است: نخست، «ملاک مهم‌تر بودن از نظر عقل، جاودانگی و بقای ابدی است. به همین خاطر، عقل در تعارض میان دو کمال، آن یکی را که پایدارتر بداند برمی‌گزیند و در موقع تعارض لذّت موقّت با لذّت جاودانه، دومی را برمی‌گزیند. دوم، از نظر عقل برترین و مهم‌ترین کمال، کمالی است که از نظر وجودی قوی‌تر و با ابعاد عالی روح انسان هماهنگ‌تر باشد. بر این اساس، لذّت جاودانه و پایدار بر لذّت‌های زودگذر ارجحیت دارد.» (Kardan, A'rafi, Pakseresht, & Hoseini, 2004, p. 454). این مبنا مبتنی بر قدرت عقلانی خود فرد و سایر افراد متخصص در این زمینه است؛ یعنی هر انسانی می‌تواند هم از مجموع افکار متخصصان این حوزه و هم از قدرت عقل خودش برای تبیین و توجیه اصول اخلاقی استفاده کند. اجماع نظر متخصصان در آثار مکتوب و ثبت شده آنان موجود می‌باشد که با مراجعه به آثار و مطالعه و بررسی آنها می‌توان به بررسی و تبیین اصول اخلاقی پرداخت. همچنین استفاده از قدرت عقلانی خویش برای تبیین و توجیه اصول اخلاقی اسلام از طریق تجزیه و تحلیل ذهنی مسائل اخلاقی میسر است. انسان با تفکر و تأمل در مورد مسائل اخلاقی می‌تواند به اهمیت و ضرورت آن‌ها برای جامعه بشری پی‌ببرد و پایبندی به اصول اخلاقی را هم برای خودش و هم برای دیگران توجیه کند. در روش عقلانی می‌توان هم از آثار مربوط به نظام اخلاقی اسلام و هم از آثار مربوط به فیلسوفان اخلاق غیرمسلمان استفاده کرد. یکی از روش‌های مفید، قابل درک و جهان-شمول که هر صاحب حرفه‌ای می‌تواند با استفاده از آن از عقل و فکر خویش برای تبیین و توجیه اصول اخلاقی استفاده کند، «قانون طلایی» است. قانون طلایی در اکثر ادیان الهی و مکاتب فلسفی غیرالهی مورد تأکید قرار گرفته و به تعابیر گوناگونی بیان شده است، اما در کل، مفهوم آن به این معنی است که «با دیگران فقط طوری رفتار کن که رضایت می‌دهی در همان موقعیت با تو رفتار شود.» (Gensler, 1998, p. 193).

بر اساس آنچه گفته شد، مسئولیت‌های اخلاقی انسان در برابر انسان‌ها را می‌توان بر اساس مبانی فوق و به‌ویژه با استفاده از «قانون طلایی» که یکی از روش‌های عقلانی است، تبیین و توجیه کرد. از آنجاکه قدرت درک و فهم انسان‌ها متفاوت می‌باشد، ممکن است بتوان اصول اخلاقی را با استفاده از یک یا چند مبنا برای برخی از انسان‌ها توجیه کرد، اما برای برخی دیگر از آن‌ها نتوان چنین کاری را انجام داد. بنابراین، با استناد به همه مبانی مورد اشاره و آوردن دلایل بیشتر می‌توان اصول اخلاقی را برای دامنه وسیع‌تری از انسان‌های دارای پیشینه‌ی زندگی و تفاوت‌های فردی مختلف، تبیین و توجیه کرد. در این صورت استدلال‌های ما برای

اثبات مسئولیت‌های اخلاقی معلم و تعیین اصول اخلاق حرفه‌ای او در برابر دانش‌آموزان محکم‌تر و پایدارتر خواهند بود. بنابراین، انجام مسئولیت‌های اخلاقی انسان نسبت به سایر انسان‌ها نیازمند آن است که هر صاحب حرفه‌ای و به‌ویژه یک معلم نسبت به ذینفعانش ۱) با صداقت و درستکاری رفتار کند؛ ۲) متواضع و فروتن باشد؛ ۳) به آن‌ها آسیب نرساند؛ ۴) عفّت و پاک‌دامنی پیشه کند؛ ۵) برای دیگران احترام قائل شود؛ ۶) با عدالت و انصاف رفتار کند؛ ۷) به تعهدات حرفه‌ایش وفادار باشد؛ و ۸) تا جایی که می‌تواند در حق آن‌ها احسان و نیکوکاری کند (Rahmani, 2013, pp. 125-132).

مبانی اخلاق اسلامی و رابطه آن با اصول اخلاقی

بین مبانی و اصول اخلاق اسلامی رابطه کل و جزء برقرار است؛ یعنی بر اساس آموزه‌های اسلامی هر اصل اخلاقی بر مبنای مبانی اخلاق اسلامی قابل توجیه و تبیین می‌باشد. به بیان دیگر، بر اساس اخلاق اسلامی، یک اصل را زمانی می‌توان اخلاقی خواند که ۱) در قرآن و سنت بر آن تأکید شده باشد؛ ۲) در راستای برآورده کردن نیازهای ذی‌نفعان قرار گیرد؛ ۳) در جهت حفظ کرامت انسانی ذی‌نفعان باشد؛ ۴) با اختیار و آزادی خود انسان انجام بگیرد؛ و ۶) بر اساس مبانی فطری، وحیانی و عقلانی و به‌ویژه «قانون طلایی» اخلاق برای افراد مختلف قابل توجیه و پذیرش باشد (Rahmani, 2013, pp. 77-93).

اصول اخلاق اسلامی در ارتباط معلم با دانش‌آموزان

معلمی حرفه‌ای است که هدف آن هدایت صحیح رشد و تربیت انسان‌هاست و وجوه مشترک زیادی با سایر حرفه‌ها – که هدف آن‌ها نیز کمک به بهبود زندگی و رفاه بشر می‌باشد– دارد. بنابراین، همه اصول اخلاقی که در اخلاق اسلامی و در ارتباط صاحبان حرفه با انسان‌ها مطرح شده‌اند، در مورد حرفه معلمی نیز صدق می‌کنند، اما تفاوتی که هر حرفه با حرفه‌های دیگر دارد، در نوع قواعد اخلاقی است که هر صاحب حرفه‌ای باید آن‌ها را در ارتباط با انسان‌هایی که به اقتضای حرفه‌اش با آن‌ها در ارتباط است، رعایت کند. در ضمن، مهم‌ترین عنصر در آموزش و پرورش، دانش‌آموزان می‌باشند؛ زیرا، هدف تعلیم و تربیت رشد همه‌جانبه آن‌هاست که تحقق بخش عمده‌ای از آن در محیط آموزشی و توسط معلم صورت می‌گیرد. بنابراین، معلم در قبال شاگردانش مسئولیت‌های سنگینی دارد و برای این‌که بتواند این مسئولیت‌ها را به نحو احسن به انجام برساند، لازم است به اصول هشت‌گانه اخلاق اسلامی و قواعد مربوط به آن‌ها پایبند باشد (Rahmani, 2013, pp. 155-165). این اصول و قواعد به شرح زیر می‌باشند:

۱) **اصل صداقت و درستکاری:** صداقت و درستکاری به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاق اسلامی

مطرح شده است (Makarem-e-Shirazi, 2010, p. 83). صداقت به دو معنی هماهنگی گفتار با پندار و هماهنگی گفتار با کردار به‌کار رفته است. مفهوم نخست اشاره دارد به اینکه گوینده آنچه را می‌گوید در باطن نیز همان‌گونه است و باطن و ظاهر او یکی است و مفهوم دوم بدین معنی است که گوینده آنچه را که می‌گوید و ادعا می‌کند در عمل نیز انجام می‌دهد (Bathaei Golpayegani, 1998, pp. 36-39). در قرآن کریم کسانی که رفتارشان با گفتارشان ناهماهنگ است، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند (The Noble Qur'an, 1992, pp. 61/2-3). صادق و درستکار نبودن باعث می‌شود که انسان از یک طرف، اعتماد و پشتیبانی دیگران را از دست بدهد و دیگران در موقع نیاز به او کمک نکنند و از طرف دیگر، کرامت انسانی او به خاطر دروغ‌گویی و نادرست کاری‌اش تنزل پیدا کند. در ضمن «راست‌گویی از نشانه‌های بارز شخصیت انسان و عظمت فکر و پاکی روح اوست. افراد راستگو معمولاً افرادی شجاع، صریح، با اخلاص، بی‌طمع و خالی از تعصب‌های غلط و حبّ و بغض‌های افراطی هستند؛ زیرا راست‌گویی بدون این‌ها ممکن نیست. از طرف دیگر، افراد دروغگو معمولاً ترسو، ریاکار، طمّاع، متعصّب، لجوج و گرفتار حبّ وبغض‌های غلط هستند.» (Makarem-e-Shirazi, 2010, p. 84).

صداقت و درستکاری برای معلم که حرفه‌اش نقش مهمی در تربیت انسان‌ها دارد، اهمیت حیاتی دارد و می‌توان آن را به عنوان یک اصل اخلاقی برای حرفه معلمی به شمار آورد. معلم از یک طرف، در یادگیری دانش‌آموزان و انتقال اطلاعات علمی و اطلاعات مربوط به مهارت‌های زندگی به آنان نقش مهمی دارد و از طرف دیگر، الگوی اخلاقی مهمی در زندگی آن‌ها به شمار می‌آید؛ یک معلم صادق و درستکار می‌تواند الگوی خوبی برای صادق و درستکار بارآمدن دانش‌آموزانش باشد. صداقت و درستکاری معلم نسبت به دانش‌آموزان موجب برقراری ارتباط سالم و حفظ صمیمیت و اعتماد بین آن‌ها می‌شود. به همین خاطر، پایبندی معلم به این اصل لازم و ضروری است. مهم‌ترین قواعد اخلاق معلمی در خصوص صادق و درستکار بودن معلم نسبت به دانش‌آموزان را می‌توان چنین برشمرد: ۱) ارتباط دوطرفه صادقانه با دانش‌آموزان برقرار کند؛ در مسائل درسی با آن‌ها راستگو باشد و حقیقت‌هایی را که دانش‌آموزان باید در مورد محتوای درسی بدانند، مخفی نکند؛ ۲) به آنچه می‌گوید و وعده می‌دهد عمل کند؛ ۳) به اندازه مدت زمان تعیین شده در برنامه آموزشی مدرسه، در مدرسه و کلاس درس حضور داشته باشد و به فعالیت آموزشی بپردازد. به عبارت دیگر، هم به کمیّت آموزش (اختصاص دادن زمان تعیین‌شده به هرکدام از درس‌ها) و هم به کیفیت آموزش (چگونگی تدریس و ارزشیابی) توجه کند؛ ۴) از قبل خود را برای تدریس آماده

کند و مقدمات تدریس از قبیل طرح درس و محیط یادگیری را فراهم نماید و برای این کارها وقت و انرژی اختصاص دهد؛ ۵) «از فضای فیزیکی کلاس درس حداکثر استفاده را ببرد و آن را به گونه‌ای حفظ کند که مواد و ابزارهای آموزشی و فضای فیزیکی کلاس صدمه نبینند.» (Haerizadeh & Mohammad Hosein, 2007, p. 121). در ضمن، نباید از امکانات و وسایل آموزشی بهره‌برداری شخصی کند؛ و ۶) از انجام اعمال و رفتارهایی که در شأن و جایگاه معلمی نیست، خودداری کند.

۲) **اصل تواضع و فروتنی:** یکی دیگر از ارزش‌های اخلاق اسلامی تواضع و فروتنی است (Alizadeh et al., 2010, P. 227). تواضع با خشوع و خضوع در ارتباط است و در مقابل تکبّر و تذلّل قرار می‌گیرد که جزء رذیلت‌های اخلاقی است. تواضع و فروتنی صفتی است که خداوند متعال به بندگان خاص خود نسبت داده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 25/63) و به پیامبرش (ص) که بزرگوارترین انسان است، امر کرده که رفتارش را با زینت فروتنی آراسته کند (The Noble Qur'an, 1992, p. 26/215). «فروتنی با خصلت‌های اخلاقی فراوانی مانند خوش رفتاری، احترام و ادب، خوش گویی، سلام و مصافحه همراه است و در مقابل، تکبّر باعث گسترش برخی از رذایل اخلاقی مانند تحقیر، بی‌ادبی، بدرفتاری می‌شود.» (Aliborji, 1998, pp. 172-173). تأکید بر این اصل اخلاقی در آثار و رفتار بزرگان زیاد دیده می‌شود که در قرآن به آن اشاره شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 31/18; 17/37). با توجه به اهمیت و نقش تواضع و فروتنی در برقراری و تنظیم روابط سالم بین انسان‌ها، لازم است هر معلمی در برخورد با دانش‌آموزانش تواضع و فروتنی پیشه کند.

معلم معمولاً از لحاظ سن و سال و توانایی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای از دانش‌آموزان برتر است. لذا، این احتمال وجود دارد که او نسبت به توانایی‌ها و مهارت‌ها و نیز موقعیتی که با توجه به آن‌ها به دست می‌آورد، مغرور شود و خود را برتر بداند و دانش‌آموزان را در سطح پایین‌تر و کم ارزش‌تر تلقی کند. بنابراین، پایبندی معلم به این اصل اخلاقی لازم و ضروری است. پایبندی به این اصل می‌تواند مانع افتادن معلم در دام غرور و خود بزرگ‌بینی شود و او را به برقراری رابطه صحیح با دانش‌آموزانش سوق دهد. برخی از قواعد اخلاقی معلم در خصوص تواضع و فروتنی او در برابر دانش‌آموزان به این شرح می‌باشند: ۱) به هنگام وارد شدن به جمع دانش‌آموزان و قبل از آغاز

صحبت، با آنها سلام و احوال‌پرسی کند؛ ۲) مقام، موقعیت و سطح تحصیلات خود را به رخ دانش‌آموزان نکشد و خود را از آنها برتر نداند؛ ۳) در نشان دادن مقام، موقعیت، توانایی‌ها و شایستگی‌های خود اغراق نکند و واقعیت‌ها را نپوشاند؛ ۴) به سؤال‌ها، اظهارنظرها و پیشنهادهای معقول دانش‌آموزان حتی در شرایط سخت و دشوار با دقت گوش دهد؛ ۵) تواضع باطنی و ظاهری او یکی باشد؛ تواضع او فقط کلامی و ظاهری و از روی ریا نباشد.

۳) **اصل آسیب نرساندن:** ستم‌کردن و آسیب رساندن به دیگران از رذیلت‌های اخلاقی است که در اسلام بر آن تأکید زیادی شده است. بنابراین، آسیب نرساندن از ارزش‌های اخلاق اسلامی و صفات مؤمنان به شمار می‌آید. در قرآن بر آسیب نرساندن- با هر وسیله‌ای که باشد- تأکید زیادی شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 49/12). آسیب رساندن ممکن است با دست، ذهن و زبان صورت گیرد. از مصادیق آسیب رساندن صاحبان حرفه به دیگران می‌توان به وارد شدن به حریم خصوصی دیگران، فاش کردن اطلاعات محرمانه، تنبیه کردن، سوءاستفاده مالی، برچسب زدن، طعنه زدن، دروغ گفتن، غیبت کردن، تهمت زدن و عیب‌جویی اشاره نمود.

یکی از وظایف معلم این است که محیط شاد و جذابی برای دانش‌آموزان فراهم کند و تمام سعی و تلاش خود را به‌کار بگیرد تا دانش‌آموزان از هر نوع آسیب و گزندی در امان باشند؛ زیرا در یک محیط ناامن و ترسناک هدف‌های تعلیم و تربیت محقق نخواهند شد. لذا، به خاطر اهمیتی که محیط ایمن برای تربیت دانش‌آموزان دارد، آسیب نرساندن به عنوان یک اصل اخلاقی برای حرفه معلمی لازم و ضروری است؛ زیرا، معلم معمولاً به خاطر داشتن توانایی‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای از اقتدار و اختیاراتی برخوردار است که دانش‌آموزان فاقد آن‌ها می‌باشند. در ضمن، معلم از لحاظ سن و سال و قدرت جسمانی معمولاً از دانش‌آموزان برتر است. بنابراین، ممکن است عدم آگاهی معلم در استفاده درست از این بهره‌مندی‌ها از یک طرف و بروز رفتارهای ناشایست احتمالی از سوی برخی از دانش‌آموزان نسبت به هم‌کلاسی‌هایشان یا نسبت به معلم از طرف دیگر، باعث شود که معلم از قدرت و اختیاراتش برای آسیب رساندن به شاگردان سوء استفاده کند. پایبندی معلم به این اصل اخلاقی می‌تواند مانع بروز چنین رفتارهایی شود. برای این منظور معلم باید قواعد اخلاقی زیر را رعایت کند: ۱) به حریم شخصی شاگردان وارد نشود و در امور خصوصی آن‌ها دخالت نکند؛ ۲) «اطلاعات محرمانه‌ای را که در مورد دانش‌آموزان می‌داند و یا در پرونده آنها موجود می‌باشد، مطابق با قانون و مقررات نگهداری کند و آنها را جز در راستای مقاصد حرفه‌ای یا به درخواست قانون به

کسی ارائه ندهد (Teachers council of NewZealand, 2004)؛ ۳) تنبیه را به عنوان آخرین روش و فقط در زمان کارا نبودن روش‌های دیگر در نظر بگیرد و در حدی باشد که به شاگرد آزار جسمانی وارد نشود؛ ۴) در مقابلِ دانش‌آموزان حرف‌های رکیک نزند و به آنها ناسزا نگوید؛ ۵) از برچسب زدن و طعنه زدن به دانش‌آموزان خودداری کند؛ ۶) «دانش‌آموزان را تحت هیچ شرایطی مورد تمسخر یا توهین قرار ندهد و آنها را در حضور دیگران به خاطر عدم موفقیت در کارشان سرزنش نکند.» (Shakeri, 1986, p. 38)؛ و ۷) خوبی‌های دانش‌آموزان را بازگو کند ولی بدی‌ها و عیب‌های آنان را بپوشاند.

۴) **اصل عفّت‌پیشگی و پاک‌دامنی:** یکی دیگر از ارزش‌های مهم اخلاق اسلامی عفّت‌پیشگی و پاک‌دامنی است (Davoodi, 2011, p. 124). در نظام اخلاقی اسلام، «عفّت، یعنی بازداشتن نفس از محرمات الهی و محدود کردن نفس به اموری که خداوند انجام آن‌ها را جایز دانسته است.» (Davoodi, 2011, p. 127). بی‌عفّتی، کرامت انسان را خدشه‌دار می‌کند و شیرازه اجتماع را به هم می‌ریزد. در مقابل، عفّت به انسان عزّت و احترام می‌بخشد. در واقع، «جامه عفاف پوششی است که بر هر اندامی که پوشیده شد، صاحب خود را در پیشگاه خلق و خالق عزیز و محترم می‌نماید و [به او] ارزش و اعتبار می‌بخشد.» (Bathaei Golpayegani, 1998, p. 21). در آیات و روایات نیز به وفور بر عفّت نفس و خویشتن‌داری و دوری از نگاه‌های آلوده تأکید شده است. (The Noble Qur'an, 1992, pp. 24/31-32; 23/5/7) مفهوم عفّت معمولاً برای کنترل شهوت شکم و دامان به‌کار می‌رود و صاحب عفّت به کسی گفته می‌شود که با وجود سلامت قوا و آگاهی از کیفیت لذّات و فراهم بودن اسباب و نبود موانع خارجی برای شهوات و لذات دنیوی، پا را از اطاعت شرع و عقل فراتر نگذارد. هرگاه نیروی شهوت تحت فرمان عقل درآید، فضیلت عفّت پدید می‌آید (Alizadeh et al., 2010, P. 152).

بر اساس نص قرآن، سرکوب امیال نه‌تنها ناروا شمرده می‌شود، بلکه به بهره‌وری درست از آنها نیز توصیه شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 2/60) «در قوه شهوت، پسندیده آن است که شهوت در حد اعتدال بوده و در محدوده عقل و شرع مورد استفاده قرار گیرد.» (Sheber, 2001, p. 220). در قرآن بر عفّت‌پیشگی و پاک‌دامنی تأکید و از ازدواج به عنوان یکی از بهترین راه‌های رسیدن به آن یاد شده است (The Noble Qur'an, 1992, pp. 24/31-33; 30/21; 7/189) و راه‌های نادرست ارضای نیاز جنسی مورد نکوهش قرار گرفته است (The Noble Qur'an, 1992, p. 27/55).

امروزه حرفه معلمی گاهی اقتضا می‌کند که معلم در محیط حرفه‌ای خود با کسانی ارتباط داشته باشد که هم هم‌جنس خودش نباشند و هم از لحاظ سن و سال از آن‌ها بالاتر باشد. لذا، برخی از معلمان در محیط حرفه‌ای خود در کنار جنس مخالف یا کودکان قرار می‌گیرند. چنان‌که تجارب بشری در نقاط مختلف نشان داده است، ممکن است برای یک فرد حرفه‌ای و به‌ویژه معلم، در چنین مواقعی زمینه ارتکاب به خطا و گناه به طور نمونه برقراری رابطه نامشروع جنسی با جنس مخالف یا سوءاستفاده جنسی از کودکان فراهم شود. در چنین مواقعی، قدرتمندترین سلاح برای مبارزه با چنین خطاهایی می‌تواند عفّت‌پیشگی و پاک‌دامنی باشد. بنابراین، عفّت و پاک‌دامنی برای حرفه معلمی امری واجب و ضروری است و یک اصل اخلاقی به شمار می‌رود که در راستای تحقق آن معلم باید قواعد اخلاقی زیر را رعایت کند: ۱) با جدّیت و در اسرع وقت برای تشکیل خانواده اقدام نماید؛ ۲) همیشه و در همه جا و به ویژه در محل کار خود، عفّت پیشه کند و به خاطر جایگاه معلمی‌اش از شاگردان سوءاستفاده جنسی نکند؛ ۳) اعضا و جوارح و به‌ویژه چشم خود را از آلودگی به گناه و هرزگی حفظ کند؛ ۴) در مورد عواقب و آثار ارزشمند عفّت پیشه کردن و عواقب و آثار زیان‌بار هرزگی و بی‌عفّتی تفکر کند؛ ۵) افراد عفیف و پاک‌دامن را الگوی خود قرار دهد و از رفتارهای نیک آن‌ها تبعیت کند؛ و ۶) در مورد رفتار و اعمال افراد آلوده‌دامن و عواقب و سرانجام کار آن‌ها بیندیشد و آن‌ها را الگوی منفی (ضد الگوی) خود قرار دهد.

۵) **اصل تکریم دانش‌آموزان:** تکریم انسان‌ها یکی دیگر از ارزش‌های اخلاق اسلامی و از وظایف اخلاقی مؤمنان می‌باشد (Shojaei, 2013, p. 92). جایگاه انسان از دیدگاه اسلام آنقدر والاست که در قرآن قیمت جان او بسیار ارزشمند معرفی شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 5/32). بخشی از کرامت انسان ذاتی است که در روز ازل از سوی پروردگارش به او بخشیده شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 17/70) اما بخش دیگر آن اکتسابی است که با تلاش و سیر و سلوک و پیروی از برنامه جامع انسان‌سازی حاصل می‌شود و «در گرو به ثمر نشستن دست-مایه‌های اصلی کرامت وی، چون عقل و فطرت است.» (Bagheri Noaparast, 2010, p. 229). هر انسانی حداقل به خاطر برخورداری از کرامت ذاتی شایسته تکریم است. چنان‌که خداوند متعال به خاطر کرامت ذاتی انسان، اولین درجه‌ای را که پس از آفرینش به او داد، درجه «خلیفه الهی» بود (The Noble Qur'an, 1992, p. 2/30). به راستی اگر کرامت ذاتی و خدادادی انسان نباشد، چه چیز دیگری می‌تواند از همان بدو خلقت، شایستگی جانشینی پروردگارش را به او ببخشد. تکریم

انسان مبتنی بر کرامت ذاتی او که از سوی پروردگار به او بخشیده شده است، می‌باشد. برمبنای این اصل، هر صاحب حرفه‌ای باید هم کرامت ذاتی و هم کرامت اکتسابی دیگر انسان‌ها به‌ویژه انسان-هایی را که با آنها سروکار و در مقابل‌شان وظایفی دارد، حفظ کند.

تکریم دانش‌آموزان به عنوان یکی از اصول اخلاق معلمی مطرح شده است (Bagheri Naoparast, 2007, p. 388). دانش‌آموزان در هر سطح و مقامی و از هر رنگ و نژادی که باشند، انسانند و از کرامت انسانی برخوردارند. بنابراین، معلم نه‌تنها باید کرامت همه دانش‌آموزان را حفظ کند، بلکه باید در ارتقای کرامت تک‌تک آن‌ها نیز بکوشد و در راستای تحقق این اصل قواعد اخلاقی زیر را رعایت کند: ۱) شاگردان را به اسم خودشان و محترمانه صدا بزند و از نسبت دادن اسامی و القاب نامناسب به آنها خودداری کند. چنان‌که «پیامبر(ص) نیز یارانش را بسیار تکریم و برای رعایت احترام و بزرگداشت شخصیت‌شان از آن‌ها با کُنیه و نام و عنوان خودشان یاد می‌کرد.» (Hojjati, 1978, p. 174)؛ ۲) جدای از وضعیت درسی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی شاگردان، با آنها به عنوان یک انسان رفتار کند؛ ۳) در کلاس درس جوّ شاد و غیر تهدیدآمیزی برای کودکان ایجاد کند (Bazargan, 2011, p. 103)؛ ۴) بر اساس نژاد، رنگ پوست، ملّیت، سن، جنسیت، ناتوانی یا موقعیت خانوادگی، دانش‌آموزان را از شرکت در برنامه‌های یادگیری محروم نکند، مانع رساندن امتیاز یا منفعت به دانش‌آموزان نشود و به دانش‌آموزانی که شایستگی ندارند، بر اساس رابطه امتیاز ندهد (Association of National Education, 2014)؛ و ۵) از ارزشیابی شخصیت دانش‌آموزان به ویژه ارزشیابی جنبه‌های منفی شخصیت آن‌ها در حضور جمع خودداری کند.

۶) **اصل رعایت عدالت و انصاف:** عدالت و انصاف از ارزش‌های اخلاق اسلامی است (Alizadeh,et al, 2010, p. 000) عدل و انصاف در متون اخلاق اسلامی جایگاه والایی دارد و در قرآن بر آن تأکید زیادی شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 16/90; 42/15). بنابراین، عدالت باید در مورد همه، خویش و بیگانه، غنی و فقیر، توانا و ناتوان رعایت شود و در این زمینه استثنا بردار نیست؛ زیرا این دستور صریح قرآن است (The Noble Qur'an, 1992, p. 4/135). البته، اجرای عدالت کار دشواری است و همیشه بر سر راه اجرای آن موانعی وجود دارند که «مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: گرایش‌های نفسانی، رابطه خویشاوندی و دوستی و دشمنی و خصومت» (Davoodi, 2011, pp. 113-114). برای تحقق عدالت رعایت دو نکته ضروری است: نخست، شناخت حقوق دیگران و دیگری غلبه بر موانعی که در مسیر اجرای عدالت وجود دارند که البته تحقق چنین امری نیازمند

تمرین و تکرار است.

عدالت و انصاف با حقوق کودکان ارتباط دارد. به عبارت دیگر، آن دسته از حقوق دانش‌آموزان که بر گردن معلم است، باید به طور کامل از سوی او ادا شود. هرچند برآورده کردن حقوق دانش-آموزان در سطح گسترده بر عهده مجموعه نیروی انسانی موجود در دولت و نیز وزارت آموزش و پرورش می‌باشد، اما در محیط مدرسه و به‌ویژه در کلاس درس، بهره‌مند کردن دانش‌آموزان از مزایای آموزش و پرورش و رعایت عدالت نسبت به همه آن‌ها برعهده دست‌اندرکاران مدرسه و به‌ویژه معلم است. عدالت و انصاف از اصول مهم اخلاق حرفه‌ای در ارتباط معلم با شاگردان معرفی شده است .(Bagheri Naoparast, 2007, p. 388) به طورکلی، معلم باید در زمینه تعامل، آموزش و ارزشیابی، عدالت و انصاف را در مورد همه دانش‌آموزان رعایت کند. این اصول به شرح زیر می‌باشند:

الف) رعایت عدالت و انصاف در تعامل با شاگردان: بنابر نص قرآن، «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست» و به نیکوکار و بدکار پاداش یکسان داده نمی‌شود. بنابراین، از دیدگاه اسلام تشویق و تنبیه هر دو پذیرفته شده‌اند. رعایت نظام تشویق و تنبیه یکی از مصداق‌های مهم عدالت و انصاف در نظام آموزشی است. در راستای تحقق اصل عدالت و انصاف، معلم باید در تعامل با شاگردان ۱) به ویژگی‌های فردی هریک از دانش‌آموزان توجه کند و حقوق آنها را رعایت نماید؛ ۲) «مجازات را در حد جُرم و پاداش را در حد تلاش و زحمت تعیین کند؛ شاگردان را متناسب با عملی که انجام داده‌اند، تشویق یا تنبیه کند (Bagheri Naoparast, 2007, p. 389)؛ ۳) «قوانین و روال‌های مشخصی برای مدیریت و نظم کلاس وضع کند و آنها را منصفانه در مورد همه دانش‌آموزان به‌کار گیرد.» (Haerizadeh et al, 2007, p. 47)؛ ۴) «به حضور و غیاب دانش‌آموزان اهمیت دهد و علل غیبت آنها را بررسی کند و اطلاعات لازم را به دست بیاورد (Safi, 2002, p. 77)؛ ۵) به هنگام تنبیه، شخصیت و حرمت انسانی دانش‌آموزان را پایمال نکند.

ب) رعایت عدالت و انصاف در آموزش: در اسلام به تساوی در آموزش تأکید زیادی شده است؛ چنان که پیامبر اسلام[1] (ص) فرموده است: «هر مربی که سه کودک را از این امت سرپرستی کند [و تعلیم و تربیت آن‌ها را عهده‌دار شود] و فقیر و غنی را یکسان آموزش ندهد، روز قیامت با خیانت‌کاران محشور می‌شود» (FathAlikhani & Fasehizadeh, 1998, p. 77). معلم در راستای تحقق عدالت و انصاف در آموزش باید قواعد اخلاقی زیر را رعایت کند: ۱) همه شاگردان ضعیف، متوسط و زرنگ را بدون ایجاد تبعیض در فرایند یادگیری مشارکت دهد؛ ۲) در مورد مطالب درسی و مباحث مرتبط با

---

[1] . Prophet of Islam

درس، بدون ایجاد تبعیض به همه شاگردان حق اظهارنظر و سؤال کردن بدهد؛ ۳) تمامی محتوای تعیین-شده را آموزش دهد و آن را به موقعیت دیگری مانند کلاس درس خصوصی، موکول نکند؛ و ۴) هنگام آموزش، توانایی‌ها و آمادگی‌های همه دانش‌آموزان ضعیف، متوسط و قوی را درنظر بگیرد.

پ) رعایت عدالت و انصاف در ارزشیابی: یکی دیگر از وظایف معلم، ارزشیابی از کار شاگردان است. به گفته ابن خلدون[1] «کسی که عهده‌دار تعلیم و تربیت می‌شود و می‌خواهد به خود یا دیگران سیر تکاملی بدهد، لازم است به محاسبه و ارزیابی عملکردها بپردازد تا متعلم از نتیجه کار خود آگاه شود.» (Beheshti et al, 2001, p. 127). معلم در راستای تحقق عدالت و انصاف در ارزشیابی دانش‌آموزان باید قواعد اخلاقی زیر را رعایت کند: ۱) حبّ و بغض شخصی را در فرایند آموزش و ارزشیابی وارد نکند و یادگیری شاگردان را تحت تأثیر این عوامل قرار ندهد؛ ۲) قواعد واضح و مشخصی برای ارزشیابی درنظر بگیرد و آنها را در مورد همه شاگردان رعایت کند؛ ۳) شاگردان را به طور مستمر و در موقعیت‌های مختلف ارزشیابی کند و نتایج ارزشیابی یک موقعیت یا یک حوزه را به موقعیت یا حوزه‌های دیگری تعمیم ندهد؛ ۴) با توجه به هدف‌ها و محتوای آموزشی تعیین شده از روش‌های مختلف ارزشیابی مانند روش کتبی، شفاهی و عملی استفاده کند تا از تسلط دانش‌آموزان بر مهارت یا موضوع مورد نظر مطمئن شود؛ ۵) «کارهای دانش‌آموزان را بر اساس توانایی‌های فردی آنها ارزشیابی کند.» (Shakeri, 1986, p. 24) و کارهای آن‌ها را با هم مقایسه نکند؛ و ۶) بر اساس توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی به دانش‌آموزان تکلیف بدهد و آن را برایشان روشن کند.

۷) **اصل وفاداری به تعهدات حرفه‌ای:** وفاداری به تعهدات به عنوان یک ارزش اخلاقی مطرح است که در متون اسلامی از آن با عنوان «اهتمام به امور مسلمانان و رسیدگی به آن‌ها» یاد می‌شود (Davoodi, 2011, p. 148). هر صاحب حرفه‌ای در زندگی حرفه‌ای خود دارای برخی وظایف و مسئولیت‌های مربوط به حرفه‌اش می‌باشد و با توجه به این که از روی اختیار و اراده حرفه‌اش را برگزیده، در مقابل امانت‌ها و تعهدهایی که به او سپرده شده است، باید وفادار و متعهد باشد و به وظایفش عمل کند. وفاداری به تعهدات حرفه‌ای مواردی مانند وقت‌شناسی و حضور به موقع، رعایت نظم و ترتیب و قدردانی را شامل می‌شود. در قرآن بر وفای به عهد تأکید زیادی شده است (The Noble Qur'an, 1992, p. 5/1; 17/34). وفای به عهد در روابط اجتماعی آثار زیادی به همراه دارد؛ زیرا، «در صورت عدم وفای به عهد، اعتماد و اتکا مردم به یکدیگر متزلزل می‌شود.» (Hojjati, 1978, p. 198). بنابراین، وفاداری و ادای تعهدات حرفه‌ای یکی دیگر از اصول اخلاق حرفه‌ای است که از آن به عنوان اصل مسئولیت نیز نام برده می‌شود.

---

[1] . Ibne Khaldun

تعهدات هر حرفه‌ای خاص آن حرفه و متناسب با دانش و مهارت‌های صاحبان آن حرفه است که باعث تمایز صاحبان حِرَف از یکدیگر می‌شود. تعهدات حرفه‌ای معلم به آن دسته از تعهدات اشاره دارد که معلم در برابر دانش‌آموزان موظف به انجام آنهاست و انجام این تعهدات به تحقق اهداف آموزش و پرورش می‌انجامد. در راستای تحقق این اصل اخلاقی معلم باید به قواعد زیر پایبند باشد: ۱) برای رشد همه جانبه دانش‌آموزان، شامل بعد اجتماعی، روانی، جسمی، عقلانی، اخلاقی و دینی اهمیت قائل باشد و برای تحقق آن همت گمارد؛ ۲) «آموزش دروسی را بپذیرد که آمادگی و توانایی تدریس آنها را دارد و از برعهده‌گرفتن تدریس دروسی که آمادگی تدریس آنها را ندارد، اجتناب ورزد؛ ۳) فعالیت‌های آموزشی را اولویت‌بندی کند و بر اساس اولویت به انجام آنها بپردازد؛ ۴) «دانش‌آموزان را به اندیشیدن، درک پدیده‌ها و ایده‌ها، روال‌ها و ارزش‌ها تشویق کند»(Haerizadeh et al, 2007, p. 81)؛ ۵) از آغاز تا پایان کلاس همراه با دانش‌آموزان فعالیت کند و مدیریت کلاس و فرایند آموزش و یادگیری را رها نکند؛ ۶) در کلاس درس، رفتار و کردار دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر را کنترل کند و اجازه ندهد که بعضی از دانش‌آموزان از دیگر دانش‌آموزان سوءاستفاده کنند یا به آن‌ها آسیب برسانند؛ ۷) برای دانش‌آموزان قابل‌دسترس باشد تا آنها بتوانند در موقع لزوم به او مراجعه کنند؛ و ۸) «در طی فرایند یادگیری، بازخوردهای واضح، ویژه، به موقع، حمایتی و تشویق‌کننده ارائه دهد» (Haerizadeh et al, 2007, p. 93).

۸) **اصل احسان و نیکوکاری:** یکی دیگر از ارزش‌های اخلاق اسلامی احسان و نیکوکاری است (Davoodi, 2011, p. 99). احسان و نیکوکاری به معنای کمک کردن به دیگران و برآورده کردن نیازهای آنان با خلوص نیّت و بدون هیچ‌گونه چشمداشتی است که از نشانه‌های آن می‌توان به اظهار محبت و دوست داشتن دیگران، نیکو سخن گفتن (The Noble Qur'an, 1992, p. 2/83)، گشاده‌رویی، نرم‌خویی و مدارا و بذل و بخشش اشاره کرد. «احسان و نیکوکاری فراتر از عدالت به معنای حق و استحقاق است؛ زیرا، عدالت بر حسابگری و دقت استوار است، اما احسان و نیکوکاری بی‌حساب است.» (Bagheri Noaparast, 2010, p. 222). احسان زمانی ارزش دارد و به معنای واقعی کلمه احسان نامیده می‌شود که از آفت منَت گذاشتن به دور باشد که اگر انسان از آن غافل شود، ارزش احسان از دستش خواهد رفت؛ زیرا منت گذاشتن خلوص نیّت را از بین می‌برد و ارزش احسان و نیکوکاری را پاک می‌کند (The Noble Qur'an, 1992, p. 2/264). سعدی شیرازی[1] در این

[1]. Saadi Shirazi

زمینه چنین گفته است: «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز» (Saadi Shirazi, 1995). به طور کلی، احسان و نیکوکاری به معنای «افزایش فضیلت، معرفت، لذت، حیات یا آزادی افراد دیگر» است (Gensler, 1998, p. 284). پس هرکاری که صاحبان حرفه بدون منّت و چشمداشت و ریاکاری برای دیگران انجام دهند و باعث افزایش این ویژگی‌ها در آن‌ها شود، احسان و نیکوکاری است.

در بسیاری موارد در مدارس و دانشگاه‌ها، توانایی‌های معلمان و استادان به‌ویژه توانایی‌های علمی آنان از شاگردانشان بیشتر است و شاگردان برای کسب موفقیت در زمینه‌های مختلف به کمک آنها نیاز دارند. بنابراین، کمک معلمان به شاگردانشان خیلی ضروری است. البته، ممکن است گاهی ارائه این کمک‌ها حتی از وظایف رسمی آن‌ها فراتر برود و معلمان بیشتر از وظایفشان به شاگردان کمک کنند. در واقع، این نکته از ویژگی‌های خاص احسان است که ارزش آن را از عدالت نیز بالاتر می‌برد؛ زیرا عدالت معلم زمانی تحقق پیدا می‌کند که به هر کسی به اندازه حقوقش به او بدهد؛ نه کمتر نه بیشتر. اما احسان و نیکوکاری معلم به این معنی است که فراتر از حقوقی که دانش‌آموزانِ نیازمند بر گردن او دارند به آن‌ها کمک کند و هیچ چشمداشتی هم از آن‌ها نداشته باشد و بر آن‌ها منّت نگذارد. البته این اصل زمانی عملی می‌شود که معلم ۱) در جهت تقویت اعتماد به نفس دانش-آموزان کوشا باشد؛ ۲) «با همه دانش‌آموزان به طور یکسان مهربان و خوش‌برخورد باشد؛ ۳) با شاگردان خود در خارج از مدرسه نیز رابطه صمیمانه داشته باشد» (Sohrabi & Azadbakht, 1998, p. 81)؛ ۴) تا جایی که می‌تواند از معاشرت شاگردان با اشخاص نامناسب جلوگیری کند؛ ۵) «دانش-آموزان را به کار و کوشش بیشتر تشویق کند» (Sohrabi et al, 1998, p. 103)؛ ۶) «با دانش‌آموزان مشکل‌دار مشاوره کند و مشکلات آنها را جویا شود» (Raouf, 2007, p. 116)؛ ۷) به دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه وقت بیشتری اختصاص دهد و به آن‌ها بیشتر کمک کند؛ و ۸) زمانی که دانش‌آموزانش دچار ناراحتی و گرفتاری می‌شوند، با آن‌ها همدردی کند.

نتیجه

بر اساس نظام اخلاقی اسلام، اخلاق دارای سه مبنای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی است که پایه و اساسی برای تبیین و توجیه اصول اخلاقی قرار می‌گیرند و دلایلی را برای تعیین و پذیرش اصول اخلاقی فراهم می‌کنند. در این پژوهش، بر اساس مبانی اخلاق اسلامی و با نظر به ارزش‌ها، صفات و

فضیلت‌های اخلاقی، اصول اخلاقی در ارتباط معلم با دانش‌آموزان که بیانگر مسئولیت‌های اخلاقی معلم در برابر دانش‌آموزان می‌باشد، استخراج شدند. بر این اساس، هر معلمی در حرفه و محیط کار خود باید به این اصول پایبند باشد و در ارتباط با دانش‌آموزان رفتارهای اخلاقی زیر را از خود نشان دهد:

۱) هم در محیط مدرسه و هم در خارج از مدرسه کارهایی را که باید در ارتباط با دانش‌آموزان انجام دهد با صداقت و درستکاری تمام به انجام برساند؛

۲) در مقابل دانش‌آموزانش- از هر طبقه و گروهی و در هر مقام و منزلتی که باشند- متواضع و فروتن باشد و دانش و مهارت‌های خودش را به رخ آنان نکشد؛

۳) با هر وسیله‌ای و از هر راهی که ممکن است به دانش‌آموزان آسیب‌های جسمانی و روانی وارد نکند و اجازه ندهد که دانش‌آموزان در محیط کلاس هیچ‌گونه آسیبی به یکدیگر وارد کنند؛

۴) دانش‌آموزانش را برادر و خواهر دینی خود بداند و در برخورد با جنس مخالف و به‌ویژه کودکان، عفّت و پاک‌دامنی پیشه کند؛

۵) برای تمامی دانش‌آموزانش- در هر مقام و موقعیت و از هر جنسیت و ملت و نژادی که باشند- احترام قائل باشد و احترام قائل شدن به آن‌ها را تنها منوط به وضعیت درسی و آموزشی‌شان نداند و قبل از این که آن‌ها را به عنوان یک دانش‌آموز ببیند، به آن‌ها به عنوان یک انسان نگاه کند؛

۶) در زمینه تعامل با دانش‌آموزان و آموزش و ارزشیابی آن‌ها و نیز به‌کارگیری نظام تشویق و تنبیه منصفانه و عادلانه برخورد کند؛

۷) بدون اجبار و اکراه و از روی وظیفه به تمامی وظایفی که نسبت به دانش‌آموزانش دارد، بدون کم و کاست، عمل کند و به خاطر انجام دادن وظایفش بر آن‌ها هیچ‌گونه منّتی نگذارد؛

۸) در موقعیت‌های عادی و غیرعادی، بیش از وظایفش به دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه نیکی کند و نیازهای آنان را برآورده نماید، بدون این که از آن‌ها هیچ‌گونه چشمداشتی داشته باشد و بر آن‌ها منّت بگذارد.

بنا بر آنچه گفته شد، تحقق بخش زیادی از هدف‌های تعلیم و تربیت نیازمند پیروی معلم از اصول و معیارهای اخلاق معلمی است.

References

The Noble Qur'an (1992). (M. M, Fooladvand, Trans). Qom, Dar-Al-Qur'an El-karim Publication. (In Persian).

Aliborji, Y. (1998). *Staff Ethics.* Tehran: cultural – research Institute of Aya. (In Persian).

Alizadeh, M., Alemzadehnoori, M., Mazaherisaif, M, R., Ahmadpoor, M., Mehdavifarid,

A., & Fallah, M. R. (2010**).** *Islamic Ethics: foundations and concepts*. Qom: Ma'aref Publication. (In Persian).

Association of National Education (2014). *Code of Ethics*. Retrieved from National Education Association: http://www.nea.org.

Bagheri Naoparast, Kh. & Biruni Kashani, R. (2007). Foundations and Principles of ethics of teaching in the philosophy of Islam. In: A. F. Gharamalaki (Ed.), *Professional Ethics in the Civilization of Iran and Islam* (pp 369-392). Tehran: Research center of cultural and social studies. (In Persian).

Bagheri Noaparast, Kh. (2010). *An introduction to the Educational Philosophy of Islamic Republic of Iran: Goals, Foundations and Principles*. Vol. 1. Tehran: scientific-cultural Publications Company. (In Persian).

Bathaei Golpayegani, S. H. (1998). *Analytical Ethics of Islam.* Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).

Bazargan, Z. (2011). *Conflict Management in the School: Global Successful experiences*. Tehran: Sokhan Publication. (In Persian).

Beheshti, M., Faqihi, A. N & Abuja'afari, M. (2001). *Theories of Muslim scientists in education and its principles*. Vol. 4. Tehran: The Research Institute of Hawza and Universtiy and SAMT Publication. (In Persian).

Beheshti, M., Faqihi, A.N, Aboja’fari, M & A’rafi, A.R. (2009). *Islamic Aims of Education*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian).

Davoodi, M. (2011). *Islamic Ethics; foundations and concepts*. Qom: Ma'aaref Publishing Office. (In Persian).

Fathalikhani, M., Fasehizadeh, A.R & Faqihi, A. N. (1998). *Theories of Muslem Scientists in Education and Its Principles*. Vol. 1. Tehran: SAMT Publication. (In Persian).

Gensler, H. J. (1998). *Ethics: a contemporary introduction*. (H, Bahraini, Trans). Tehran: Asemane Khayal and Neqde qalam Publication. (In Persian).

Gutek, J. L. (2004). *Philosophical, Ideological and theoretical perspectives on Education*. (M. J, Pakseresht, Trans). Tehran: SAMTi Publication. (In Persian).

Haerizadeh, Kh., Mohammad Hosein, L. (2007). *The Features of effective teacher*. Tehran: Qatreh and Manzoomahe Kherad Publication. (In Persian).

Hojjati, M. B. (1980). *Islam and Education*. Vol. 1 and 2. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (In Persian).

Khavas, A., Hoseini ghal’aBahman, A., Dabiri, A., Sharifi, A. H., Pakpoor, A & Islami, M. T. (2009**).** *Ethics: with special considerations of education.* Qom: Ma’aref Publications. (In Persian).

Makarem-e- Shirazi, N. (2010). *Life In the light of Ethics*. Qom: Sorur Publication. (In Persian).

Rahmani, B. (2013). *The analytical survey of ethics of teaching and determining its place in goals and programs of Iran teacher training*. (Doctoral dissertation, Shahid Chamarn Universtiy of Ahvaz, 2013). (In Persian).

Raouf, A. (2007). *Teacher Education and Internship*. Tehran: Fatemi Publication. (In Persian).

Kardan, A.M., A'rafi, A.R., Pakseresht, M. J., Hoseini, A. A & Irani, H. (2004). *An introduction to Islamic Education (1): The philosophy of Education*. SAMT Publications. (In Persian).

Saadi Shirazi, M. (1995). *Golestan*. Interpreted by GholamHosein Yousefi. Tehran:

Kharazmi Publications. (In Persian).
Safi, A. (2002). *Teacher's visage: Respect the character, Competences, skills, Memories and Teachers' experiences*. Tehran: parents and teachers association Publication. (In Persian).
Shakeri, F. (1986). *Application of Skills in Teaching*. Mashhad: Jahade Daneshgahi of University of Mashhad. (In Persian).
Sheber, S. A. (2001). *Ethics*. (M. Reza, Jabbaran, Trans). Tehran: Institute of Hejrat Publication. (In Persian).
Shirvani, A. (2011). *Islamic Ethics and its theoretical foundations*. Qom: Dar-Al-Fekr Publications. (In Persian).
Shojaei, A. A. (2013). *Ways of Living: Applied Ethics*. Qom: Ma'aref Publications. (In Persian).
Sohrabi, F., Azadbakht, R & Azimi, M. R. (1998). *My Good teacher*. Tehran: Madreseh Publication. (In Persian).
Teachers council of NewZealand (2004, 4 4). *Code of ethics for registered teacher*. Retrieved 5 4, 2014, from New Zealand Teachers Council: http:// www.Teacherscouncil.govt.nz.